



رفتار کنترل نشده یا حرکت تمرین شده؟ هیس را می گذاشتی برای یک وقت بهتر

با گزینه‌های جانشینی او به گوش می‌رسید. حتی گفته می‌شد او در صورت شکست از نفت آبادان، روی لبه تیغ برکناری قرار می‌گیرد. به هرحال این اتفاق نیفتاد و با برد مقابل سپاهان، فرهاد مجیدی برای اولین بار در لیگ نوزدهم، به دو پیروزی پیاپی رسید.

این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که فضای رسانه‌ای هم به گونه‌ای رقم خورده بود که بازی استقلال و سپاهان، به شکلی غیررسمی به دوئل «مربی امروز» استقلال با «مربی فردا» ی این تیم تبدیل شده بود. اما فارغ از حساسیت‌های شخصی رویارویی با امیر قلعه‌نویی، نکته‌ای که مربی استقلال باید در نظر بگیرد این است که مربیان با «دستاوردها»های خود شناخته می‌شوند نه با چند برد و یا برتری در یک بازی خاص. البته استراماچونی هم در شرایطی استقلال را ترک کرد که عملاً به جز یک هفته صدرنشینی، هیچ دستاورد دیگری نداشت اما از آنجا که داستان او و استقلال نیمه تمام باقی ماند، این ذهنیت در هواداران به وجود آمده که «استقلال با استراماچونی قهرمان می‌شد» و حالا فرهاد مجیدی باید افتخار ملموسی برای آبی‌ها کسب کند تا خودش را در این پست تثبیت کند.

بعضی از رفتارها را نمی‌توان مدام تکرار کرد؛ مثل همین هیس نشان دادن. شاید اگر فرهاد مجیدی کمی باتجربه‌تر بود، صوری می‌کرد و بعد از موفقیت در آخرین بازی لیگ و یا قهرمانی در جام حذفی، منتقدان درون باشگاهی و آلترناتیوهای خود را دعوت به سکوت می‌کرد.

می‌کنند و یا در مصاحبه مطبوعاتی بعد از بازی، حرف‌هایی می‌زنند که چند ساعت بعد خودشان از گفتن آنها پشیمان می‌شوند. اما آیا «هیس» نشان دادن فرهاد مجیدی بعد از پیروزی مقابل سپاهان، یک «رفتار کنترل نشده» بود یا اینکه با «برنامه» بود و پیش از شروع بازی آن را تمرین کرده بود؟ پرسش دیگر اینکه مخاطب این «هیس» که بود؟ مربی استقلال چه کسی را دعوت به سکوت می‌کرد؟ کسی برای این پرسش‌ها، پاسخ دقیقی ندارد و هرچه هست، استنباط‌های شخصی است اما چه فرهاد مجیدی در لحظه تصمیم به این کار گرفته باشد و چه از پیش برای هیس نشان دادن، برنامه‌ریزی کرده باشد، تغییری در اصل ماجرا ایجاد نمی‌شود. همانطور که چندان اهمیتی ندارد که مخاطب آن، امیر قلعه‌نویی باشد، مهدی عبدیان، پیشکسوت‌های منتقد یا هرکس دیگری. وجه مهم ماجرا این است که «هنوز برای هیس نشان دادن خیلی زود است».

فرهاد در این هفته‌ها فشار زیادی را تحمل کرده. او بخواهد یا نخواهد، مدام با استراماچونی مقایسه می‌شود و در روزهایی که حتی کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا هم به مخاطره افتاده بود، نقدهای تند و تیزی به گوش او رسید. بعضی از بازیکنان بازنشسته استقلال هم به جمع منتقدان مجیدی پیوسته بودند و صلاحیت فنی او را زیر سؤال می‌بردند. انتقادهای هواداران در شبکه‌های اجتماعی و حرف‌های کنایه‌آمیز پیشکسوتان، تنها چالشی نبود که مربی استقلال با آن روبه‌رو بود؛ در پس پرده، شایعاتی از مذاکره غیررسمی



علی مغانی

Ali Moghani

مربیگری در فوتبال با استرس عجین است. هر چقدر حساسیت بازی بالاتر می‌رود، صورت‌ها برافروخته‌تر می‌شود و ضربان قلب‌ها تندتر. در شرایط طبیعی، ضربان قلب یک انسان بالغ حدود ۶۰ تا ۸۰ بار در دقیقه است اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد به محض شروع بازی، ضربان قلب بعضی مربیان فوتبال به ۱۲۰ می‌رسد و در لحظات حساس از ۱۵۰ بار در دقیقه هم عبور می‌کند؛ یعنی تقریباً برابر با ضربان قلب فوتبالیستی که در همان لحظه مشغول فعالیت است.

اینکه قلب یک مربی با شدت می‌تپد، نه به خاطر فعالیت فیزیکی که به دلیل استرس هورمونی است که در دقایق حساس یک مسابقه فوتبال تحمل می‌کند.

۹۰ دقیقه حرص و جوش خوردن و تحمل فشاری که در طول بازی وجود دارد، کار ساده‌ای نیست. در این مواقع، گاهی اوقات مربیان رفتارهای کنترل نشده‌ای بروز می‌دهند؛ سر بازیکن پراشتباه فریاد می‌کشند، به داور پرخاش